

## نامه ی تاریخی استاد شجریان به علی لاریجانی

جناب آقای دکتر لاریجانی، شما به خوبی می دانید که موسیقی ایرانی چه فراز و نشیب پردردی را از سر گذرانده است و از پس چه بی شمار حوادث و درشتی های روزگار تا بدین مایه در دستان ماست. هم اکنون میراث دار هنری هستیم که به خون دل و عشق بی پایان هنرمندان آن به دست ما رسیده است. هنرمندانی که درشتی ها را تحمل کردند، خواربها کشیدند تا امروز گنجینه ای از نواها و نغمه ها بی را داشته باشیم که بخشی از هویت ما را تشکیل می دهد. با وجود سختی روزگار، مردم ما موسیقی خود را دوست داشتند و آن را پاسداری می کردند. پیشینیان ما، هنرمند را ارج می گذاشتند و به مهر کارشان را قدر می نهادند و آن را گرامی می داشتند. سرگذشت موسیقی ایران، سرگذشت غریبی هنرمندان این دیار است. در روزگار گذشته، جفاکارانی که از ذوق و سلیقه و مهر بهره ی اندکی برده بودند، تاب موسیقی نمی آوردند و کردارشان آزار هنرمند و ستیز با هنر بود. هنر و هنرمندان ایمن نبودند تا آن روز که سازمان رادیو و تلویزیون ملی در ایران تاسیس شد و به کانون اصلی این جفاکاری تبدیل شد.

جناب آقای دکتر لاریجانی، روزی که در سال هزار و سیصد و پنجاه و پنج در اعتراض به آشفته بازار موسیقی و ابتذال حاکم بر موسیقی رادیو و تلویزیون، از این دستگاه کناره گرفتم، رئیس وقت سازمان قول هرگونه حمایت از هنر اصیل را داد و از من خواست که همچنان در این سازمان باقی بمانم اما من که می دانستم سرشت این دستگاه با اصالت سازگار نیست، به وی گفتم که این دستگاه از روز نخست، با هدف ویرانی و نابودی هنر اصیل این سرزمین پا به عرصه ی وجود گذاشته است.

جناب آقای دکتر لاریجانی، تجربه ی سالهای بعد سبب شده است تا من هنوز هم بر رای خود مبنی بر کناره گیری خود از سازمان پابرجا بمانم. از همین روی، از آن روز تا سال هزار و سیصد و هفتاد و دو از حضور در این رسانه پرهیز داشتم تا آنکه پس از هفده سال به درخواست مکرر جنابعالی دوباره در تلویزیون حضور یافتم.

جناب آقای دکتر لاریجانی، شما هم حتما به یاد می آورید که چه امیدهایی در مورد سیاستهای جدید موسیقی و حمایت از شرافت و اصالت داده شد. من به عنوان عاشق موسیقی این سرزمین، تمایل داشتم در این خوش بینی با مسئولان وقت شریک باشم. اما تجربه ی طولانی در رادیو و تلویزیون، مرا از این خوش بینی باز می داشت. اکنون سه سال بعد از آن ماجرا، امیدوارم محک تجربه، صدق آن رای را بر شما هم اثبات کرده باشد. سر آن ندارم که از وضعیت موسیقی در این رسانه سخن بگویم که سخن فراوان است و متأسفانه تکرار دیگر گونه ای از همان سرگذشت اندوهبار موسیقی است که به آن اشاره کردم. صدا و سیما در حال حاضر تسلیم گرایشهای سطحی در موسیقی شده است و ما شاهد تقلید ناشیانه و ابتدایی از خوانندگانی هستیم که از این رسانه کنار گذاشته شده اند. در حال حاضر، از این

رسانه انوعی از موسیقی پخش می شود که فاقد کمترین ارزش هنری است. درک و شعور موسیقی در این دستگاه عریض و طویل گاه تا بدان مایه نازل و اندک میشود که مبتذل ترین قطعات موسیقی را که ما نام موسیقی خال طوری (موسیقی کافه های لاله زاری)، بر آن می گذاریم، به عنوان آرم برنامه پخش می کنند.

حتما شما هم در تجربه ی چند ساله ی خود در صدا و سیما، دریافته اید که آرم برنامه، پرچم و نشانه ی اصلی برنامه است و همیشه تلاش می شود تا زیباترین نوا برای آن انتخاب شود، شگفتیم از این همه بد سلیقگی و

بی ذوقی و اندک مایگی در درک موسیقی، آن هم در مهمترین دستگاه فرهنگی کشور. کاستی های سیاست موسیقی صدا و سیما محدود به پخش برخی آثار بی ارزش و تکرارهای تقلیدی نمی شود. مهمترین نکته در سیاست صدا و سیما، نادیده گرفتن حقوق هنرمندان از سوی این رسانه است. جناب آقای دکتر لاریجانی، در صدا و سیما به خود حق می دهند، به هر نحو که خواستند رفتار کنند. آثار هنری را بدون اجازه پخش می کنند، بدون اجازه و به سلیقه ی خود سانسور می کنند و ساده ترین و بدیهی ترین اصل یعنی رعایت حقوق هنرمند را زیر پا می گذارند. صدا و سیما به خود حق هرگونه تملک و دست اندازی در آثار هنری را داده است. اگر روزگاری فریاد ما از دست تولید کنندگان غیر مجاز نوار بالا بود، امروز صدا و سیما خود

غیر مجازترین کار را در عرضه ی آثار هنری انجام می دهد. سازمان صدا و سیما موظف است برای پخش آثار هنرمندان از آنان کسب اجازه کند و حقوق مادی آنان را هم برای هر نوبت پخش آثارشان رعایت کند. این روال جاری رادیو و تلویزیون در همه ی کشورهای متمدن جهان است. از این گذشته من نمیدانم صدا و سیما به چه حقی و بر اساس کدام مجوز روی آثار من تصویر می گذارد و آن را به نام ویدیو کلیپ پخش می کند؟ فرض کنید قانون رعایت حقوق مولفان و مصنفان وجود ندارد، و باز هم فرض کنید اگر وجود دارد، کسی به هر دلیلی مایل نیست از طریق دستگاه قضایی، احقاق حق کند. آیا شما شرعا این مشکل را برای خود حل کرده اید؟ چگونه است که بدیهی ترین حقوق مالکیت حقوقی که مورد تاکید قوانین جاری کشور است زیر پا گذاشته می شود؟ در تحریم که نادیده گرفتن حقوق هنرمند از سوی مهمترین و وسیع ترین رسانه ی کشور نشانه ی چیست؟ مردم چه می گویند وقتی می بینند از صبح تا شام، این رسانه پیامهای اخلاقی در رعایت حقوق دیگران پخش می کند، اما خود به آن عمل نمی کند؟

جناب آقای دکتر لاریجانی، من بارها ناخوشنودی خود را از کار صدا و سیما اعلام کرده ام. من تنها به دنبال حقوق خود نیستم، هر چند اگر به دنبال این هم بودم، باز خرده ای بر من وارد نبود. من فقط قصد دارم یک نکته را به این دستگاه عریض و طویل یادآوری کنم و آن رعایت حقوق دیگران است. صدا و سیما باید پیامزد که حقوق آثار هنری و حتی بسیار گسترده تر از آن هر اثر فرهنگی متعلق به پدید آورندگان آن است و ملک طلق این دستگاه عظیم نیست.

ای کاش دست اندازی به اثر هنری و بی اعتنایی به حقوق هنرمندان به همین ختم می شد. سالها پیش، به هنگام جنگ عراق علیه ایران، در دفاع از سرزمین مادری تصنیفی به نام " میهن ای میهن " اجرا کردم، این تصنیف ستایش سرزمین مادری و مهرورزی بدان بود. بگذریم که آن تصنیف، مدتها

اجازه ی پخش نداشت . اما اکنون هم که اجازه ی پخش یافته است ، بخشی از آن حذف شده است . از شما می پرسم آیا عشق به سرزمین ومیهن گناه نابخشودنی است که باید حذف شود ؟ اگر شما تصنیفی را نمی پسندید ، چرا آن را پخش می کنید و چرا آن را مطابق سلیقه خوتان مثله می کنید ؟ به صراحت اعلام میکنم که مایل نیستم صدای من از صدا وسیمایی پخش شود که بی اعتنا به حقوق هنرمندان است . قاطعانه از جنابعالی می خواهم که دستور دهید هیچ اثری از من مطلقا از رادیو وتلوویزیون پخش نشود . چون در ماه مبارک رمضان هستیم ، تنها به احترام این ماه مبارک و ادای دین به نیک سرشتی مردمی که در دامان آنها پرورش پیدا کرده ام ، پخش "مناجات" و " ربنا " را اجازه می دهم .

امیدوارم با این اقدام ، سنت حمایت از حقوق هنرمندان را در این دستگاه پایه گذاری کنید . حمایت از اصالت و شرافت هنر ، بدون رعایت حقوق هنرمند ممکن نیست .  
به نقل از روزنامه "سلام" هیجدهم بهمن ماه هزاروسیصدوهفتادوپنج